

بررسی نظام و ترکیب افعال فارسی و افعال متوالی در دستور زبان فارسی

The study of the system and structure of Persian verbs and successive verbs in the grammar of the Persian language

دراسة نظام و ترکیب الأفعال الفارسية والأفعال المتتالية في
قواعد اللغة الفارسية

م.م. فاطمة جواد عبد

Fatima Jawad Abed(*)

Fatimajwadabd@colang.uobaghdad.edu.iq

Abstract

The verb in the Persian language expresses what a person does. Verbs are divided into several parts first: the past simple tense, transfer, continuous, and distant, more distant, obligatory, concrete, and the concrete transferable. Second, the present tense that includes: the informative, obligatory, concrete, and simple. Finally, the imperative and prayer verbs: transitive and intransitive verbs, passive voice, missing verbs, complete verbs, successive verb that consist of a verb

(*) University of Baghdad/ College of language/ Persian Department

چکیده

فعل در زبان فارسی که کنایت از کار انسان است فعل بر اقسام ماضی مطلق و نقلی و استمراری و نقلی مستمر و بعید و ابعد و التزامی و ملموس و ملموس نقلی اقسام فعلهای مضارع این مضارع اخباری و التزامی و ملموس و ساده و فعل مستقبل این امرودعا لازم و متعدی معلوم و مجهول تام و ربطی کامل و ناقص و وجه فعل و فعل متوالی پیاپی فعل با فعل دیگر یا بسیار تراز فعل می باشد که نظام و ترکیب افعال فارسی به طور کلی از فعل اصلی می باشد فعلی در زبان فارسی به دو صورت فعل مرکب و فعل ساده می شود افعال مرکب این از اسم یا مصدر می باشد و افعال ساده در زبان فارسی از مصدر بسیط که فعل مرکب و ساده از پایه ی می شود می توان گفت که فعل های مرکب با تجزیه ی روساختی می شود حرف اضافه ای با فعل بسیط می شود که افعال مرکب از کلمات اما اسم مصدر فارسی یا اسم معنی یا صفت است یا اسم ذات است که معنی در فعل مرکب فارسی استقلال دارد.

کلمات کلیدی: بحث، بررسی، افعال،

فارسی، متوالی.

مبحث یکم:

on or more other verbs. The system and structure of Persian verbs in general are from the original verb. The 'verb in the Persian language is in two forms: the compound verb and the simple verb,' the compound verbs are from the noun with the infinitive 'and the simple verbs in the Persian language are from the simple infinitive. The compound and simple verbs are from the base root.

It can be said that compound verbs are to analyze the surface structure of the addition letters with the simple verb. Compound verbs are either from the infinitive, the noun meaning, the adjective, or the subject noun. A compound verb has an independent meaning.

Keywords: Research, Study, Verbs, Persian, Successive.

تعریف فعل در لغت و اصطلاح

تعریف فعل در لغت: انجام دادن، کار

تعریف فعل در اصطلاح: کلمه ایست که دلالت بر حالت یا وقوع امری در زمان گذشته، حال یا آینده کند.

ج، افعال (معین، ۱۳۷۵: ۲۵۵۶)

اقسام فعل در دستور زبان فارسی

اقسام ماضی: ماضی مطلق / ماضی نقلی

فعل را به صورتهای گوناگون بیاوریم:

اوبه مسافرت رفت

اوبه مسافرت رفته است

اوبه مسافرت می رفت

اوبه مسافرت رفته بوده است

فعل این جمله ها همگی زمان گذشته را نشان می دهد، لیکن هریک را در مورد خاصی به کار می بریم فعلهای ماضی- فعلهایی که بر زمان گذشته دلالت می کنند ماضی نامیده می شوند. انواع فعل ماضی در زبان فارسی:

۱- ماضی مطلق (ساده)- از بن ماضی با افزوده شناسه ها ساخته می شود، جز سوم شخص مفرد که شناسه ندارد و بن ماضی به صورت فعل به کار می رود از آنجا که ماضی مطلق از جهت ساخت ساده ترین فعل های ماضی است ماضی ساده نیز نامیده می شود در جدول زیر، شش شخص ماضی مطلق نشان داده شده است (انوری، ۱۳۷۹: ۲۸-۲۹).

شخص	بن ماضی	شناسه	ماضی مطلق
اول شخص مفرد	نوشت	مَ	نوشتَم
دوم شخص مفرد	نوشت	یَ	نوشتی
سوم شخص مفرد	نوشت	اَ	نوشت
اول شخص جمع	نوشت	یمَ	نوشتیم
دوم شخص جمع	نوشت	یدَ	نوشتید
سوم شخص جمع	نوشت	ندَ	نوشتند

۱- ماضی نقلی- ماضی نقلی از ساخت صفت مفعولی فعل اصلی (بن ماضی به اضافه های بیان حرکت) به اضافه فعلهای معین ام, ای, است, ایم, اید, اند ساخته می شود. در جدول زیرشش شخص ماضی نقلی نشان داده شده است: (انوری, ۱۳۷۹: ۳۰)

شخص	بن ماضی + ه = صفت مفعولی	فعل معین	ماضی نقلی
اول شخص مفرد	خورد + ه	ام	خورده ام
دوم شخص مفرد	خورد + ه	ای	خورده ای
سوم شخص مفرد	خورد + ه	است	خورده است
اول شخص جمع	خورد + ه	ایم	خورده ایم
دوم شخص جمع	خورد + ه	اید	خورده اید
سوم شخص جمع	خورد + ه	اند	خورده اند

ماضی استمراری/ماضی مستمر

ماضی استمراری- ماضی از ماضی ساخته می شود, بدین ترتیب که به اول ماضی مطلق جزء پیشین می افزایند: (همان منبع قبلی: ۳۲)

شخص	جزء پیشین	ماضی مطلق	ماضی استمراری
اول شخص مفرد	می	خوردم	می خوردم
دوم شخص مفرد	می	خوردی	می خوردی
سوم شخص مفرد	می	خورد	می خورد
اول شخص جمع	می	خوردیم	می خوردیم
دوم شخص جمع	می	خوردید	می خوردید
سوم شخص جمع	می	خوردند	می خوردند

ماضی نقلی مستمر- با افزودن جزء پیشین می بر سر ماضی نقلی, ماضی نقلی مستمر ساخته می شود:

اگر وقوع فعلی که باماضی نقلی بیان می شود (انوری, ۱۳۷۹: ۳۳-۳۴)

شخص	جزء پیشین	ماضی نقلی	ماضی نقلی مستمر
اول شخص مفرد	می	خورده ام	می خورده ام
دوم شخص مفرد	می	خورده ای	می خورده ای
سوم شخص مفرد	می	خورده است	می خورده است

اول شخص مفرد	می	خورده ایم	می خورده ایم
دوم شخص جمع	می	خورده اید	می خورده اید
سوم شخص جمع	می	خورده اند	می خورده اند

ماضی بعید(دور) / ماضی ابعـد(دورتر)

ماضی بعید – ماضی بعید از صفت مفعولی فعل اصلی (بن ماضی به اضافهء ه {a}) و ماضی

مطلق فعل معین «بودن» ساخته می شود: (همان منبع قبلی: ۳۵)

شخص	صفت مفعولی		ماضی نقلی «بودن»	ماضی ابعـد
	بن ماضی	نشانهء صفت مفعولی		
اول شخص مفرد	خورد	ه	بودم	خورده بودم
دوم شخص مفرد	خورد	ه	بودی	خورده بودی
سوم شخص مفرد	خورد	ه	بود	خورده بود
اول شخص جمع	خورد	ه	بودیم	خورده بودیم
دوم شخص جمع	خورد	ه	بودید	خورده بودید
سوم شخص جمع	خورد	ه	بودند	خورده بودند

ماضی ابعـد- ابعـد از صفت مفعولی فعل اصلی (بن ماضی به اضافهء ه {a}) و ماضی نقلی فعل

معین «بودن» ساخته می شود: (انوری، ۱۳۷۹: ۳۶)

شخص	صفت مفعولی		ماضی ابعـد	ماضی نقلی «بودن»
	بن ماضی	نشانهء صفت مفعولی		
اول شخص مفرد	خورد	ه	بوده ام	خورده ام
دوم شخص مفرد	خورد	ه	بوده ای	خورده بوده ای
سوم شخص مفرد	خورد	ه	بوده است	خورده بوده است
اول شخص جمع	خورد	ه	بوده ایم	خورده بوده ایم
دوم شخص جمع	خورد	ه	بوده اید	خورده بوده اید

سوم شخص جمع	خورد	ه	بوده اند	خورده بوده اند
-------------	------	---	----------	----------------

ماضی التزامی

ماضی التزامی – از صفت مفعولی فعل اصیل (بن ماضی به اضافه ه {a} و مضارع ساده «باشید») ساخته می شود: (همان منبع قبلی: ۳۷)

شخص	صفت مفعولی		مضارع ساده «باشیدن»	ماضی التزامی
	بن ماضی	نشأت صفت مفعولی		
اول شخص مفرد	خورد	ه	باشم	خورده باشم
دوم شخص مفرد	خورد	ه	باشی	خورده باشی
سوم شخص مفرد	خورد	ه	باشد	خورده باشد
اول شخص جمع	خورد	ه	باشیم	خورده باشیم
دوم شخص جمع	خورد	ه	باشید	خورده باشید
سوم شخص جمع	خورد	ه	باشند	خورده باشند

معنی و کاربردها

از لحاظ معنی و کاربرد فعل حال التزامی به یکی از مفاهیم التزامی اشاره می کند

الف) احتمال و تردید

شاید من زودتر بروم

ب) شرط:

اگر زودتر بروم

پ) آرزو

کاش دوستانمان هم بیایند

ان شاء الله همه تندرست باشند

ت) دعا و نفرین

خدایا اربابم را زود!

خدا آنروز را نیاورد!

ث) پس بعد از فعلهای ادراکی بیانی، از جمله «پرسیدن» خواستن «تصمیم گرفتن» در بندمتم!

پرسیدم بروم، خواستند بیایند، تصمیم گرفتند بروند.

ج) در بند قیدی با حرف ربط «تا» و به منظور ابینکه: زود رفت تا زودتر به کارها برسد آمد تابه

ماکمک کند به منظور اینکه زودتر برسد (الدینی، ۱۳۹۶: ۵۹-۶۰)

ماضی ملموس/ ماضی نقلی

ماضی ملموس که آن را ماضی ناتمام نیز میگویند از ماضی استمراری فعل اصلی همراه باماضی مطلق فعل معین «داشتن» ساخته می شود. در ماضی ملموس فعل معین قبل از فعل اصلی می آید و هر دو یعنی هم فعل معین و هم فعل اصلی صرف می شوند: (انوری، ۱۳۷۹: ۳۹)

شخص	ماضی مطلق فعل معین «داشتن»	ماضی استمراری فعل اصلی	ماضی ملموس
اول شخص مفرد	داشتم	می خوردم	داشتم می خوردم
دوم شخص مفرد	داشتی	می خوردی	داشتی می خوردی
سوم شخص مفرد	داشت	می خورد	داشت می خورد
اول شخص مفرّد	داشتیم	می خوردیم	داشتیم می خوردیم
دوم شخص مفرّد	داشتید	می خوردید	داشتید می خوردید
سوم شخص مفرّد	داشتند	می خوردند	داشتند می خوردند

ماضی ملموس نقلی، فعل را در حال اتفاق افتادن یا نزدیک به اتفاق افتادن در گذشته نشان می دهد

داشتم سوار تاکسی می شدم که کسی صدایم کرد

داشتم ناهار می خوردم که صدای در بلند شد

داشتم می رفتم به مدرسه که همارا دیدم

ماضی ملموس نقلی – ماضی ملموس نقلی از ماضی نقلی «داشتن» و ماضی نقلی مستمر فعل اصلی ساخته می شود این ساخت فعل را در حال اتفاق افتادن یا نزدیک به اتفاق افتادن و به طریقه نقلی مستمر بیان می کند (همان منبع قبلی: ۴۰)

فعلهای مضارع/ مستقبل

مضارع فعلی است که معمولاً بر زمان حال یا آینده دلالت می کند، مضارع در زبان فارسی سه

صورت دارد: مضارع اخباری مضارع التزامی، مضارع ملموس

یادآوری

مضارع اخباری و مضارع التزامی در متون و در بسیاری از موارد بی همراهی می و بمیآید که آن

را مضارع ساده می نامند

مضارع اخباری از مضارع ساده به اضافهء جزء پیشین می ساخته می شود: (انوری، ۱۳۷۹: ۴۱)

شخص	جزء پیشین	مضارع ساده	بن مضارع اخباری
اول شخص مفرد	می	خورم	می خورم
دوم شخص مفرد	می	خوری	می خوری
سوم شخص مفرد	می	خورد	می خورد
اول شخص جمع	می	خوریم	می خوریم
دوم شخص جمع	می	خورید	می خورید
سوم شخص جمع	می	خورند	می خورند

مضارع التزامی از مضارع ساده باجزء پیشین ب ساخته می شود: (همان منبع قبلی: ۴۲)

شخص	جزء پیشین	مضارع ساده	مضارع التزامی
اول شخص مفرد	ب	خورم	بخورم
دوم شخص مفرد	ب	خوری	بخوری
سوم شخص مفرد	ب	خورد	بخورد
اول شخص جمع	ب	خوریم	بخوریم
دوم شخص جمع	ب	خورید	بخورید
سوم شخص جمع	ب	خورند	بخورند

مضارع ملموس از مضارع اخباری فعل اصلی به اضافه مضارع ساده فعل «داشتن» ساخته می شود

مضارع ملبوس	مضارع اخباری	مضارع ساده «داشتن»	شخص
دارم می خورم	می خورم	دارم	اول شخص مفرد
داری می خوری	می خوری	داری	دوم شخص مفرد
دارد می خورد	می خورد	دارد	سوم شخص مفرد
داریم می خوریم	می خوریم	داریم	اول شخص جمع
دارید می خورید	می خورید	دارید	دوم شخص جمع
دارند می خورند	می خورند	دارند	سوم شخص جمع

مضارع ساده از بن مضارع و شناسه ساخته می شود: (انوری، ۱۳۷۹: ۴۳)

بن مضارع ساده	شناسه	بن مضارع	ص خشد
خورم	م ____	خور	اول شخص مفرد
خوری	ی ____	خور	دوم شخص مفرد
خورد	د ____	خور	سوم شخص مفرد
خوریم	یم ____	خور	اول شخص جمع
خورید	ید ____	خور	دوم شخص جمع
خورند	ند ____	خور	سوم شخص جمع

مستقبل از مضارع ساده «خواستن» باین ماضی فعل اصلی ساخته می شود: (انوری، ۱۳۷۹:

۴۴-۴۵)

شخص	مضارع ساده خواستن	بن ماضی	مستقبل
اول شخص مفرد	خواهم	خورد	خواهم خورد
دوم شخص مفرد	خواهی	خورد	خواهی خورد
سوم شخص مفرد	خواهد	خورد	خواهد خورد
اول شخص جمع	خواهیم	خورد	خواهیم خورد
دوم شخص جمع	خواهید	خورد	خواهید خورد
سوم شخص جمع	خواهند	خورد	خواهند خورد

موارد کاربرد فعل آینده

۱. در جملهء مستقبل در مفهوم مضارع اخباری
 ۲. در جملهء پایه در مفهوم مضارع اخباری
 ۳. در جملهء پیرو شرطی محتمل در مفهوم مضارع اخباری (مدرسی، ۱۳۸۷: ۲۴۲)
- فعل امر - امر فعلی است که با آن انجام دادن کاری یادداشتن و یا پذیرفتن حالتی را طلب می کنیم
- فعل دعا - فعل دعا امروز با ساخت امر و یا مضارع التزامی به کار می رود:
- سلامت باش خدا شمارا سلامت کند (انوری، ۱۳۷۹: ۴۶)
- فعل لازم - فعلی که بی مفعول، معنی جمله را تمام کند یا به سخن دیگر به مفعول نیازی نداشته باشد
- فعل متعدی - فعلی که بی مفعول، معنی جمله را تمام نمی کند یا به سخن دیگر به مفعول نیاز دارد

تامعنی خود را تمام کند و از فاعل به مفعول
برسد فعل متعدی یا گذرانا می شود
فعل معلوم- فعلی را که فاعل آن معلوم
باشد فعل معلوم می گویند، مانند دو فعل «آمدند»
و «دیدند» در دو جمله زیر:

شاگردان آمدند

فعل مجهول- از صفت مفعولی (بن
ماضی +ه {a}) فعل اصلی و ساختهای فعل
معین «شدن» ساخته می شود

فعل تام و ربطی- بیشتر فعلهایی که
در زبان به کار می روند مانند خوردن
دیدن، نشستن، خوابیدن، و جز آنها بر وقوع کاری
مخصوص یاد داشتن حالتی مخصوص دلالت
می کنند این نوع فعلها را فعل تام یا خاص گویند
مانند هوا روشن است. (انوری، ۱۳۷۹):

(۴۷-۵۲)

افعال ربطی افعالی هستند که بین فاعل (مسند
الیه) و مسند رابطه ای پدید می آورند فارسی: ()
زاده، ۱۳۹۳: ۷۸)

فعل کامل و فعل ناقص - همهء ساختها
و همهء زمانهای برخی از فعلها در زبان به
کار نمی روند (انوری، ۱۳۷۹: ۵۴)

وجوه فعل ۲

اخباری و التزامی

بعضی از صیغه های فعل وقتی بکار می
رود که می خواهیم خبری بدهیم یعنی انجام

گرفتن کاری یا وجود حالتی را در گذشته یا اکنون
یا آینده بیان کنیم

امری - شرطی

در بعضی صیغه های فعل فرمانی می
دهیم یعنی به کسی می گوئیم که کاری را انجام
بدهد یا حالتی را بپذیرد (خانلری، ۱۳۷۳: ۲۹-
(۳۱)

کاربرد افعال وصفی (صفت فعلی)

فعل در زبان فارسی به صورت وصفی
و صرفی به کار می رود فعل صرفی دارای
زمان و شخص است ولی فعل وصفی بدون
زمان و شخص است یعنی برای همه زمانها
و همه اشخاص به یک وجه به کار می رود:

فعل صرفی از رفتن

رفتم (گذشته اول شخص مفرد) رفته بودی
(گذشته دوم شخص مفرد) می رویم (مضارع
دوم شخص جمع)

فعل وصفی از رفتن

تو دیروز رفته تو امروز رفته
تو فردا رفته

آنها دیروز رفته آنها امروز رفته
آنها فردا رفته (نیکوبخت، ۱۳۸۹: ۶)

مبحث دوم نظام و ترکیب افعال فارسی

به طور کلی، فعل اصلی (واژگانی) از لحاظ عناصر سازنده ی آن در سه دسته قرار می گیرد:

فعل ساده، فعل پیشوندی و فعل مرکب فعل ساده تنها از یک پایه ی واژگانی تشکیل می شود، مانند نمونه های: می خواند، رفت، دیده بود

فعل پیشوندی به صورت یک پیشوند غیر فعلی و یک پایه ی فعل ظاهر می گردد، مانند نمونه های: بر می گردد، پس می گیرند، در رفت

از لحاظ نحوی پیشوند غیر فعلی در فعل پیشوندی، گسترش نمی پذیرد به این معنی که سازه های وابسته به آن وجود ندارد فعل مرکب از دو سازه ی نحوی تشکیل می شود: پایه و عنصر فعلی. نمونه هایی از فعل مرکب در (۵۱) آورده شده است:

(۵۱) صلح کرده اند، فریب خورده است، کار می کرد، دوست داشت آتش می گیرد، زمین خوردند، کشتی گرفتند، کمک بزرگی کرد، کار خوبی کرد، کشتی سختی گرفتند، سفید کرد، آرام کرد به کار بردم، به خواب کرد به خواب رفتم،.....

چنان که در نمونه های بالا مشاهده می شود، از لحاظ تجزیه ی روستاخی پایه ی فعل مرکب به صورت گروه اسمی گروه صفتی یا گروه حرف اضافه ای ظاهر می گردد.

بنابر مطالب بالا، تجزیه ی روستاخی فعل مرکب به صورت (۵۲) نشان داده می شود:

فعل مرکب _____ پایه + عنصر فعلی
پایه ی فعل مرکب _____ { گروه اسمی
گروه صفتی

گروه حرف اضافه ای

مانند پایه ی فعل مرکب: فریب، کار، دوست، آرام، به، کار، خوردن، کردن، داشتن، زدن، بردن، یادآوری می شود که از لحاظ تجزیه ی روستاخی ترکیب نحوی (گروه اسمی + فعل متعدی) نیز با فعل مرکب مشابه است، مانند نمونه های (۵۳)

کتاب خریده است خانه ی بزرگی ساخته اند درخت می کارند

غذا می خورند (الدینی، ۱۳۷۹: ۱۳۳)

آزمون بسیار ساده ای برای تشخیص فعل مرکب از ترکیب نحوی یاد شده در نمونه های (۵۳) این است که اگر گروه اسمی از ترکیب نحوی بالا حذف شود، فعل باقی مانده باز هم همان معنی اصلی در ترکیب نحوی را دارا خواهد بود عنصر فعلی باقی مانده معنی خاصی را که در فعل مرکب دارا است دیگر نخواهد داشت مثلاً معنی «داده است» به تنهایی برابر معنی آن در فعل مرکب «فریب داده است» نیست پایه

ی آزمون یادشده اگر در جمله ای پایه از فعل در حالی که اگر از صورت ساخته نحوی «اسمی + فعل متعدی» گروه اسمی حذف گردد، صورت زبانی باقی مانده عادی است و نشان می دهد که گروه اسمی به قرینه ی زبانی حذف شده است مانند «در باغش کاشته است» معنی دار است و پیدا است.

«از دیدن این منظره خیلی شدم» و یا «بچه زیاد می کشید» بی معنی و غیر عادی است. در صورت های اخیر لازم است پایه ی مناسب ظاهر شود تا صورت های زبانی عادی و معنی دار مثلا «از دیدن این منظره خیلی متعجب شدم» و «بچه زیاد می کشید» تولید شود. آزمون یاشده در بالا یعنی حذف واژه و یا واژه های همراه فعل و در نتیجه بی معنی و غیر عادی شدن صورت باقی مانده مانند نمونه های بالا می تواند به عنوان آزمونی ساده برای باز شناختن فعل مرکب از ساخت های نحوی مشابه به کار رود.

در واقع، در فعل مرکب مجموع معنی پایه و عنصر فعلی برابر بر معنی یک فعل واژگانی است نمونه های (۵۴) که در آنها یک پایه ی فعلی به دو صوت فعل ساده و فعل مرکب ظاهر می شود، نشان دهنده ی همین

واقعیت است:

(۵۴) فریفتن: فریب دادن

فرسودن: فرسوده کردن
طلبیدن: طلب کردن
خوابیدن: به خواب رفتن
جهیدن: جست زدن
کاویدن: کاوش کردن
گریستن: گریه کردن
اندیشیدن: اندیشه کردن، در اندیشه بودن

جنگیدن: جنگ کردن (الدینی، ۱۳۷۹: ۱۳۴-۱۳۵)

یاد آوردی می شود که فعل های ساده و مرکب که از پایه ی واژگانی مشترکی پدید می آیند، مانند نمونه های (۵۴) اغلب از لحاظ کاربرد بایکدیگر متفاوتند، به این معنی که فعل های مرکب بیشتر در گفتار به کار می روند، در زبان فارسی برخی فعل ها از پایه ی اسمی یا صفتی پدید آمده اند مانند نمونه های: جنگیدن، خمیدن، طلبیدن «طلب» در زبان عربی پایه ی فعلی است در دستور زبان های سنتی به این گونه فعل ها «فعل جعلی» گفته می شود.

از لحاظ معنی در بیشتر موارد پایه ی فعل مرکب به «حالت» و یا «عمل» خاصی اشاره می کند در حالی که عنصر فعلی به «وقوع عمل یا حالتی» دلالت می نماید به پایه و عنصر فعلی در فعل های مرکب نمونه ی (۵۴) دقت کنید. مثلا «فرسوده» به حالت و «گریه» به عمل خاصی اشاره می کند

شما و محدودی از فعلها به عنوان عنصر فعلی در فعلهای مرکب به کار می روند، از جمله: زدن، کردن، خوردن، دادن، شدن، گرفتن، بردن و کشیدن به نمونه های (۵۵) توجه کنید

(۵۵) فریاد زدن
گاز زدن، تعمیر کردن، پرواز کردن، گریه کردن، سوگند خوردن، قسم خوردن، فریب دادن، خنده..... گرفتن.

به طور کلی، می توان گفت که عنصر فعلی در فعل مرکب همان فعل واژگانی است که از معنی اصلی یا واژگانی خود خالی شده و در بیشتر موارد به یک معنی دستوری یعنی بیان «به وقوع پیوستن عمل یا حالتی» به کار می رود. مثلاً عنصر فعلی گرفتن در فعل مرکب «آتش گرفتن از معنی واژگانی اش که عمل خاص دریافت کردن است خالی شده و به معنی دستوری «به وقوع پیوستن» به کار رفته است در برخی از فعلهای مرکب. از جمله سوگند خوردن تحول معنایی نشانگر روندی تاریخی یا در زمانی است استقلال معنایی پایه در فعل مرکب این امکان را به وجود می آورد که از لحاظ نحوی نیز بتواند از راه پیوند با وابسته های نحوی مناسب به صورت گروه ظاهر شود مانند نمونه های (۵۶): او را فریب سختی دادند نوشین اظهار خوشحالی بسیاری کرد ز هر خرید خوبی کرد بر عکس دسته ای

از فعلهای مرکب نیز هست که یکپارچگی بیشتری دارند (همان منبع قبلی: ۱۳۵-۱۳۶)

افعال مرکب

۲۵۹ تعداد افعال ساده در زبان فارسی نسبتاً محدود است بسیاری از مفاهیمی که در زبان فرانسه با فعل ساده بیان می شود

مثال: درس خواندن، بیدار شدن، بیرون رفتن

افعال مرکبی که از اسمی ساخته شده اند که می تواند یکی از کلمات زیر باشد:

۱. اما اسم مصدر فارسی نیز اغلب در افعال مرکب به کار می رود

خواهش _____ خواهش کردن

۲. اسم معنی که بیانگر حالت یا صفتی است

سنگینی _____ سنگینی کردن

۳. یایک اسم ذات مثال رو _____ رو کردن

شوهر _____ شوهر کردن

شمار بسیاری از فعل های مرکب با کردن ساخته می شود خواه این فعل ها متعدی باشند مانند: جارو _____ جارو کردن

خواه فعل لازم مانند تغییر _____ تغییر کردن (لازار: ۱۳۹۳، ۳۲۶-۳۲۹)

فعل داشتن با همانند فعل کردن در ساختن افعال متعدی عمل می کند مانند تقدیم _____ تقدیم داشتن یا تقدیم کردن

بافعل دادن فعل متعدی ساخته می شودمثال
یاد _____ یاد دادن (لازار، ۱۳۹۳:
۳۲۶-۳۲۹)

افعال متوالی و نمونه ها آن در زبان فارسی
(جملات همپایه در نظر گرفت:
۱۳) الف. گرفت علی را و بوسید.
ب. نامه را گرفت و پاره کرد.
در (۱۳) الف یکی از معانی می تواند
دورخداد متفاوت و متوالی باشد؛ یعنی
«گرفتن» و «بوسیدن». همین تعبیر را می توان
برای جمله (۱۳) ب عنوان کرد.
افعال گروه های دوم و سوم همیشه در یک
بند قرار دارند)) (مهند، ۱۳۹۳: ۷۶)

نظام و ترکیب دلالت افعال متوالی

((جدول (۵): طبقه بندی ساختار افعال متوالی
در زبان فارسی

افعال _____
نامتقارن افعال متقارن

- زمان دستوری (خواهد رفت)
- افعال متوالی اصطلاحی (برو بخواب)
- افعال نمودی (داشت می رفت)
- افعال متوالی حرکتی (رفت بخوابد)
- افعال قیدگون (کشید بردش)
- افعال سببی (داد تعمیرش کردند)

((_____)) (موسوی، ۱۳۸۹: ۱۳۸)

دلالت افعال متوالی

((می توان در اشتقاق مختلف رانسبت داد:
(۱۶). پاسپان ها و گوشهء خیابان بچه را
گرفته اند زده اند.
الف. پاسبان ها بچه را در گوشهء خیابان
دستگیر کرده اند و او را همان جاکتک زده اند.
ب. پاسبان ها در همان گوشهء خیابان کتک
زدن بچه را شروع کرده اند.
در اینجا نیز فعل ((گرفتن))
در دو خوانش (الف) و (ب) به ترتیب در معنای
واژگانی (دستگیر کردن و نقش دستوری (آغاز
کردن عمل) به کار رفته است.))
(انوشه، ۱۳۹۷: ۷۹)

منابع و ماخذ

۱. انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۹).
((دستور زبان فارسی))، چاپ بیست و سوم،
انتشارات فاطمی، تهران
۲. الدینی، مهدی مشکوه (۱۳۷۹). ((دستور زبان
فارسی))، چاپ اول، انتشارات دانشگاه
فردوسی، مشهد
۳. الدینی، مهدی مشکوه (۱۳۹۶). ((دستور زبان
فارسی واژگان و پیوندهای ساختی))، چاپ
نهم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

- دانشگاهها (سمت) تهران
۴. خانلری، پرویز ناتل (۱۳۷۳).
(دستور زبان فارسی)، چاپ
سیزدهم، انتشارات توس، تهران
۵. زاده، امید طبیب (۱۳۹۳). (دستور زبان
فارسی)، چاپ دوم، نشر مرکز، تهران
۶. لازار، زلر (۱۳۹۳). (دستور زبان
فارسی)، چاپ سوم، انتشارات هرمس، تهران
۷. مدرسی، فاطمه (۱۳۸۷). (از واج تا جمله
فرهنگ زبان شناسی- دستوری)، چاپ
دوم، نشر چاپار، تهران
۸. معین، محمد (۱۳۷۵). (فرهنگ
معین)، چاپ دهم، انتشارات امیرکبیر، جلد
دوم، تهران
۹. نیکوبخت، ناصر (۱۳۹۳). (مبانی درست
نویسی زبان)، چاپ چهارم، نشر چشمه، تهران

مقاله ها مجله ها

۱. انوشه، مزدک (۱۳۹۸). (نمود دستوری
در ساخت فعل های پیاپی در زبان
فارسی: رویکردی کمینه گرا)، نشریه پژوهش
های زبان شناسی، سال یازدهم، بهار و تابستان،
شماره اول، شماره ترتیبی ۲۰
۲. موسوی، سید حمزه (۱۳۹۸). (بررسی
ویژگی های نحوی، معنایی و کاربردشناختی
ساختار ((فعل تصریف - فعل تصریف))